



۲۰۱۹/۰۳/۰۲

م. اسحاق نگارگر

دولتمردان ما با صیغه های محتمل الوقوع صحبت میکنند!



در دستور زبان دری فعل حال به شیوه های گوناگون به کار می رود. بدین ترتیب: (۱) فعل حال ساده که نشان میدهد عمل در حال یا آینده به صورت مکرر واقع می شود. "من مکتب می روم" به صورت فعل حال ساده معنایش این است که من هر روز و به حکم عادت مکتب می روم. این فعل را با قیدهایی مناسب زمان برای آینده نیز به کار می بریم و می گوئیم سال آینده بامیان می روم.

(۲) به صورت فعل حال جاری با قید های حالا، همین حالا، همین لحظه و غیره به کار می بریم: "من همین حالا مکتب می روم".

(۳) بدون قید معین زمان با کلمه های "شاید"، "باید" و غیره برای آینده محتمل الوقوع یعنی حالتی که ممکن عمل رخ بدهد و یا رخ ندهد و گوینده به هر صورت مسؤول وقوع یا عدم وقوع فعل نیست و معمولاً آنرا با حال استمراری یا فعل مضارع به کار می برند.

دولتمردان که یک خاصیت شان پُرکردن جیب های مردم با وعده های خیالی و دروغین است در سخنرانی های خود معمولاً از همین شیوه استفاده می فرمایند من از خبرها برای تان سه مثال می آرَم:

الف) صدیقی: "از فعالیت افراد مسلح غیر مسؤول جلوگیری می شود." چه وقت؟ طبعاً وقت گل نی

ب) "افغان ها باید خود سرنوشت خود را تعیین کنند." چه وقت؟ روز نه شنبه به خیر!

ج) جمهور رئیس غنی: "کر نه باید له عنعنی خخه په مسلک بدله شی!" کله؟ کله چی اسرافیل خپل شپیلی پو کړي! حالا باید حقیقت هر سه موضوع را از نظر بگذرانیم:

معلوم است دو نوع سلاح داران در شهرهای گوناگون افغانستان گشت و گذار دارند. یکی سلاح داران مسؤول و دیگر سلاح داران غیر مسؤول. سلاح داران مسؤول چرا و در برابر چه کس مسؤول استند و آنها که مسؤول نیستند که برای شان سلاح داده است و چرا مسؤول نیستند؟

ماهمه به یاد داریم که دولتمردان با صرف یک عالم پول و از طریق پروژه های گوناگون بی. بی. آر. تیغ از کف این رنگیان مست بازگرفتند ولی با یک دپ دپ پای طالبان دوباره سلاح های گرفته شده را توزیع فرمودند و از بس

وارخطا بودند فرق بین مسؤول و غیر مسؤول را نکردند و اینک آن عناصر غیر مسؤول سلاح خود را وسیله زورگویی و زورنمایی کرده اند و مردم بیچاره باید رنج اشتباه دولتمردان را بکشند!

دولتمردانی که آگاهانه و از روی قصد برای مردم خود خار کاشته اند و اگر فردا امریکا باز مجبور شد و یکی از این ذخیره گاه های سلاح ها را بمباران و با خاک سیاه یک سان کرد آیا دولتمردان آن بمباران را ماتم نخواهند گرفت.

و اما حقیقت دوم:

سالهاست که مردم بر آستان این و آن سر شکایت می‌کوبند که در انتخابات ما مداخله نفرمایید و ما را بگذارید که به خواست خود یک رئیس جمهور متکی بر ملت برگزینیم تا به نیروی اعتماد ملت عمل کند و در مبادله ها و معادله های بین المللی بر منفعت و استقلال ما افغانها استوار بایستد و بگذارد که افغان ها سرنوشت خود را خود تعیین کنند ولی این دولتمردان بودند که در انتخابات وسیعاً تقلب کردند و پای جان کری را به میان آوردند تا با موافقه امریکا این دولت هشت رخ نه گرد را به وجود بیاورند که مسؤول توزیع سلاح به افراد غیر مسؤول است و مسؤول مداخله غیر افغان ها در امور افغان ها نیز است و متأسفانه با فرهنگ استعفاء و اعتراف به خطای خود هرگز آشنایی ندارند.

حقیقت سوم:

سال های سال است که زراعت ما در گرو تولید مواد مخدر است و با اینکه ما از جامعه بین المللی عالم پول گرفته ایم زراعت ما بیشتر در گرداب تولید مواد مخدر غرق گردیده است. نه زراعت ما به مسلک بدل شد و نه با پول های که گرفتیم ده ماشین زراعتی را جانشین صدها گاو قلبه ای کردیم و تازه اینک جناب رئیس جمهور با "باید" و "شاید" زراعت ما را مسلکی می سازد.

ما افغان ها همان عقاب مغرور ناصر خسرو قبادیانی استیم که با بال شکسته از اوج فرو افتاده ایم و اینک نشان پر خود را در تیر جانسوز صیاد می بینیم و مجبور استیم آه بکشیم و بگوییم:

" آخر ز که نالیم که از ماست که برماست!"

و هنوز هم وقتی دولتمردان خود را می بینیم که با فعل حال محتمل الوقوع برای ما وعده فردای بهتر و مسلکی تر را میدهند خواهی نخواهی مثنوی حضرت مولانا به یاد ما می آید که مردی برای دوست خود از خانه ویرانی که قابل سکونت نیست توصیف می کند و می گوید:

"اگر این خانه چنین و چنان میبود تو می توانستی در جوار من سکونت اختیار کنی." دوستش آهی سرد میکشد و میگوید:

زندگی با دوستان بی شک خوشست

لیک ای جان در "اگر" نتوان نشست

آری سال ها شد که شما با صیغه های حال محتمل الوقوع با مردم صحبت کرده اید و این مردم نیز با حوصله مندی شنیده اند و بدان دل خوش کرده اند و بدبختانه از کثرت فقر و گرسنگی رأی خود را با یک شکم پلو سودا می کنند بالاخره باید از این خواب غفلت بیدار شوند که اگر بیدار نشوند مستحق رنجی استند که می برند. والله اعلم بالصواب

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند.